

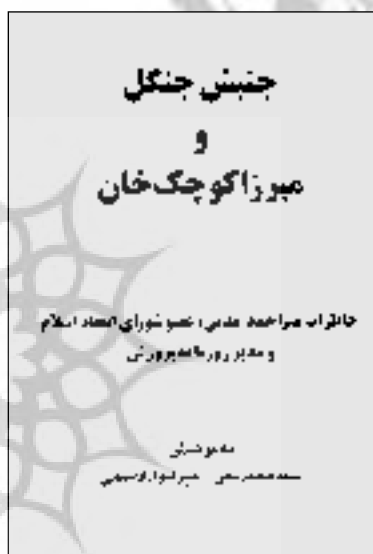
جنبش جنگل به روایت میراحمد مدنی

• فریدون شایسته

میرابوالقاسمی در همین باره می‌نویسد: او از نخستین روز قیام با مرحوم میرزا کوچک خان همراه بود و نخستین جلسه جنگلی‌ها و اعضای شورای اتحاد اسلام نیز در خانه او که در قلمستان (یکی از محلات شهر رشت) قرار داشت، تشکیل گردید (پیشگفتار). میراحمد مدنی معتقد است که از همان آغاز بین همراهان میرزا کوچک دو دستگی وجود داشت. وی در این باره می‌نویسد: «یک عده از احرار برجسته بودند که از اول طلوع آزادی ایران تا خاتمه انقلاب جنگل همه اوقات با میرزا کوچک هم عقیده و هم قدم بوده و در تمام سوانح و حوادث با او همراه و دقیقه‌ای از عقیده پاک و نمونه راسخ و محکم خود منحرف نشده‌اند و دسته دوم از همراهان سست عقیده و منفعت پرست بودند که در جریان انقلاب از آزادی‌طلبی و وطن‌خواهی منصرف گشته و در اثنا فداکاری دنبال منافع خصوصی رفته مسلک و مرام و تمام منافع ملی و مملکتی را به بیگانگان و خائنین داخلی فروختند.» (ص ۳۰)

میراحمد مدنی، نهضت جنگل را به عنوان یکی از پیامدهای انحراف مشروطیت از اصول و مواضع آزادی خواهان و مشروطه‌طلبان واقعی دانسته است. او ذیل عنوان «میرزا کوچک خان از تولد تا انقلاب ایران از نقش میرزا کوچک در همراهی با مشروطه خواهان از زمان صدور فرمان مشروطه سخن گفته است. همچنین در بخش مربوط به دوران استبداد صغیر، از نقش سردار جنگل در مبارزه با استبداد محمد علی شاه سخن گفته و به همراهی میرزا با مرحوم ستارخان در سرکوب شورش ایلات شاهسون اشاره کرده است. (ص ۳۶).

مدنی در خاطرات خود به نبرد میرزا کوچک با نیروی محمدعلی شاه در بندرگز نیز اشاره می‌کند، که منجر به شکست نیروهای شاه شد. همچنین از ماموریت فرستاده محمدعلی شاه نزد میرزا کوچک، جهت برقراری آشتی میان میرزا کوچک و محمدعلی شاه مطالب ارزنده‌ای را به نگارش درآورده است که خواندن آن خالی از لطف نیست: «قهرمان خان حاجب‌الدوله از طرف محمدعلی شاه به قونسول خانه به ملاقات کوچک جنگلی آمد و او را به مساعدت با محمدعلی میرزا دعوت نمود. ضمناً معالجه عاجل او را در کمیته تکلیف کرد، کوچک جنگلی در پاسخ حاجب‌الدوله اظهار داشت: من



- جنبش جنگل و میرزا کوچک خان، خاطرات میراحمد مدنی، عضو شورای اتحاد اسلام و مدیر روزنامه پرورش
- به کوشش: سید محمد تقی ابوالقاسمی
- ناشر: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷.

کتاب جنبش جنگل و میرزا کوچک خان، خاطرات میراحمد مدنی عضو شورای اتحاد اسلام و مدیر روزنامه «پرورش» است که به کوشش محقق پرتلاش گیلانی، سید محمد تقی میرابوالقاسمی، توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر شده است. این کتاب به مانند آثار دیگری چون: سردار جنگل (ابراهیم فخرانی)، نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی - اجتماعی گیلان و قزوین (صادق کوچک‌پور)، قیام جنگل (اسماعیل جنگلی)، گوشه‌هایی از تاریخ گیلان (بهاء‌الدین املشی، معروف به میزان) و تاریخ انقلاب جنگل (محمد علی گیلک موسوم به خمایی)، توسط کسی به نگارش درآمده است که از ابتدا تا انتهای نهضت جنگل دوشادوش سردار جنگل مبارزه کرده است.

نیروهای دولت مرکزی باز هم کوشیدند تا به طرق گوناگون، میرزا و یارانش را از ادامه مبارزات حق طلبانه و مشروع خود باز دارند. این سیاست به خوبی در نوشته‌های مدنی منعکس شده است. «وثوق الدوله به تصور این که با تهدید و تطمیع می‌تواند احرار جنگل را با نیات خود همراه نماید، حاجی آقا شیرازی و شیخ احمد سیگاری را به گیلان اعزام نمود و فرمانروایی گیلان و سواحل خرزرا را به میرزا کوچک خان تکلیف کرد و اطاعت او را به حکومت تهران تقاضا نمود. میرزا کوچک خان به سیره همیشگی پیشنهاد وثوق الدوله را رد نمود و مخالفت خود را با هر حکومتی که دست نشانده خارجی باشد، اعلام داشت.» (ص ۶۱)

مؤلف از ارسال دو هیأت از طرف آزادی خواهان روسیه به نهضت جنگل و دیدار با میرزا کوچک سخن گفته است که در هر دو مورد پاسخ میرزا به آنان منفی بود. گوشه‌هایی از علت مخالفت سردار جنگل با تقاضای مساعدت آنان در پی می‌آید:

«... من بر ضد ایران نمی‌جنگم و قیام من بر علیه مرتجعین ایران است. قیام من برای نابودی مرتجعینی است که استقلال ایران را متزلزل و بیگانگان را در امور واضح مداخله می‌دهند. فداکاری جنگلیان برای این است که استقلال کشور ایران محفوظ ماند و مرام من بر ضد دخالت خارجی‌ها در مملکت ایران است. چگونه ممکن است چنین قوای بیگانه را بپذیریم؟» (ص ۷۰)

میراحمد مدنی درباره ماهیت نهضت جنگل و اهداف سران آن نیز می‌نویسد: «میرزا کوچک و همراهانش اهتمام داشتند که بیگانگان در امور داخلی ایران مداخله نکنند و ایران بایستی با دست ایرانی اداره شود و در قبال هر قشون بیگانه ایستادگی می‌نمود و سعی داشت که مقدرات کشور به مردان صالح سپرده شود تا آمال و آرزوی آزادی خواهان اجرا گردد و به همین منظور با هر نیت ارتجاعی و استعماری مخالفت می‌نمود.» (ص ۷۳)

مؤلف در ادامه و درباره خاتمه جمهوری ایران، از اعزام حاجی احمد کسمائی و به دنبال آن کربلانی حسین کسمائی که از یاران میرزا کوچک جدا و پس از مدتی به عنوان عوامل حکومت مرکزی در صدد نابودی نهضت جنگل برآمده بودند، سخن گفته است. (ص ۷۶)

کتاب مزبور با ذکر مرامنامه نهضت جنگل به پایان می‌رسد. در قسمت یادداشت‌ها که به کتاب افزوده شده است، گزارش مرحوم ملا مرتضی معروف به «سلطان الواعظین» درباره نحوه مرگ و تدفین میرزا کوچک و مخالفت طبقه زمین‌دار و بزرگ مالکان گیلان با شکل‌گیری و پیشرفت نهضت جنگل، از بخش‌های قابل توجه کتاب است. این کتاب مانند همه خاطره‌نویسی‌ها با چاپ تعدادی عکس، دست نوشته و فرمان‌های دولتی در اختیار خوانندگان و علاقه‌مندان به تاریخ معاصر قرار گرفته است.

پی نوشت:

۱ - سرتیپ پور، جهانگیر، نام‌ها و نامدارهای گیلان، رشت، گیلکان، ۱۳۷۰، صص ۳۰-۳۲۹.

ترجیح می‌دهم مرگ را و حاضر نیستم که قدمی برخلاف آمال ملیه ام بردارم، زیرا این مرگ به زندگانی که شما به من در گمش تپه تکلیف می‌کنید رجحان و مزیت دارد و مغلوبیت محمد علی میرزا حتمی است. تا مادامی که آزادی خواهان جان در بدن دارند وی را نخواهند گذاشت که به مقاصدشوم خود نایل گردد.» (ص ۳۹)

وی در ادامه از شهادت چهار تن از آزادی خواهان مشروطه خواه به نام‌های: شریعتمدار کرگانرودی، یوسف خان جوبنه‌ای، صالح مژده‌ی و کاظم سخن گفته است. (ص ۴۱) از بین این افراد به جز ملا عبدالعزیز کرگانرودی، معروف به شریعتمدار کرگانرودی که شخصیت و اقدامات او توسط مرحوم جهانگیر سرتیپ پور معرفی شده است، بقیه افراد تقریباً گمنام مانده‌اند.^۱

میراحمد مدنی پس از پیروزی میرزا کوچک در اولین نبردش علیه قوای عبدالرزاق خان شفتی در پسیخان، از پیروزی سپاه ۶۰ نفره میرزا کوچک در دومین نبرد علیه قوای ائتلافی مخالف نهضت جنگل (۳۰۰ نفر از قزاق‌های سوارزیده روسی به همراه ۵۰ نفر قزاق ایرانی) خبر می‌دهد. (صص ۴۵-۴۴)

ادامه نبردهای میرزا کوچک با نیروهای ائتلاف و کشته شدن مفاخر الملک در کسما، صفحاتی دیگر از این کتاب را به خود اختصاص داده است. (صص ۴۷-۴۶)

مرحوم میراحمد مدنی در خلال خاطرات خود به ذکر اقدامات و اصلاحات نهضت جنگل مبادرت کرده است که مطالب آن جهت آگاهی از تلاش‌ها و خدمات نهضت جنگل مفید است: «در دوره تثبیت نهضت جنگل، تشکیلات کشوری و لشکری جنگل منظم گردید، محاکمات قضایی در تمام نقاط تأسیس گردید و زارعین که تا آن زمان در فشار و قید مالکین جابر بودند و از هستی ساقط شده بودند کم‌کم به حقوق خود آشنا شده و مراجع قانونی را شناخته برای رفع اجحاف مالکین به محاکم صالح و ابتدایی که از قضات پاکدامن و ایران دوست تأسیس شده بود مراجعه می‌کردند. برای ارتباط قصبات و دهات، دوازده رشته راه ساختند که اکنون به همان شکل باقیست و در اغلب قصبات و دهات دبستان تأسیس کردند و اطفال دهاقین را تعلیم می‌دادند. درگوراب زرمخ مدرسه نظام تأسیس کرده و جوانان دهاتی را به فنون نظامی آشنا و عملیات جنگل را به آنها می‌آموختند.» (ص ۵۱)

همچنین در ادامه می‌نویسد: «میرزا کوچک خان در تهیه بودجه پس از خروج قوای کامل تزاری روس از ایران به تهران حرکت نماید» (ص ۵۲) از این نوشته چنین برمی‌آید که میرزا در صدد تحقق و اجرای اهداف مشروطیت در سراسر کشور بود و برخلاف نوشته‌های مغرضین که هدف از تشکیل نهضت جنگل و اعلام جمهوری گیلان را تجزیه خاک گیلان از گستره قلمرو ایران ذکر کرده‌اند، می‌توان به درستی گفت که میرزا کوچک و یارانش به سربلندی ایرانیان و تأمین استقلال و پیشرفت و آبادانی ایران می‌اندیشیده‌اند.

مؤلف ذیل عنوان: «انگلیسی‌ها و جنگلی‌ها»، از طرف‌ها و حیل‌های دولت انگلستان توسط کلنل استوکس وسید محمد تدین، فرستاده وثوق الدوله در جلب اعتماد و جذب میرزا کوچک به دایره عمال دولت استعماری بریتانیا سخن گفته است. (صص ۵۳-۵۲)